



جامعة القادسيه

مدرسه مبارکه مؤمنیه

فقه و معارف

تحقیق کلاسی

عنوان تحقیق

حجّ تمتّع در صحاح سته

استاد

سید ناصر حسینی

دانش پژوه

سید محمد مبشر حسین

کد کامپیوتری

۱۲۵۳۲۹۴

۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

حجّ تمتّع که در زمان پیامبر (ص) رائج بود و آنحضرت به این نوع حجّ امر کرده بود و این سنت اصحاب بعد از پیامبر (ص) بود، به این نوع حجّ بعد از گذشتن مدتی بعد از پیامبر (ص) نهی شده بود و بعضی از کسانی که حائز اهمیت در فرق اسلامی اند، به این امر که یک واجب خدا را نهی کرده اند، اعتراف کردند. در این تحقیق روایاتی که ارائه شده از معتبر ترین منابع حدیثی اهل سنت که معروف به صحاح سته است، استفاده شده.

به اضافه این تعریف حجّ و حجّ تمتّع هم اجمالاً بیان شده است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	مفاهیم کلیدی.....
۲	حجّ.....
۲	حجّ تمتّع.....
۳	حجّ تمتّع در زمان پیامبر (ص).....
۳	امر پیغمبر (ص) به تمتّع در حجّ.....
۴	حجّ تمتّع بعد از پیامبر (ص) هم سنت اصحاب بود.....
۵	نهی کنندگان به حجّ تمتّع.....
۶	اعتراف بعضی از نهی کنندگان حجّ تمتّع.....
۸	نتیجه.....
۹	پی نوشت.....

مقدمه

یکی از واجبات فروعی اسلام حجّ است که دارای سه قسم است: حجّ قران و افراد و تمتّع. برای حجّ تمتّع یک سبب که در شریعت مطرح شده آن استطاعت است. حجّ تمتّع بر کسانی وجوب دارد که محل سکونت آنها حدّ اقل ۱۶ یا ۴۸ فرسخ از حرم فاصله داشته باشد.

این نوع حجّ را پیغمبر (ص) در حیات خودشان انجام داده اند و بعد از آنحضرت (ص) هم انجام داده شد و هنوز هم طبق فقه جعفری این حج مطرح است و باید مکلفین که بر آنها این نوع حج واجب است، انجام بدهند.

اما در تاریخ و احادیث ثبت گردیده است که بعد از پیامبر (ص) بعضی از اعلام اسلام از این نوع حجّ نهی کردند و در واقع حلال الهی و واجب پروردگار را حرام کردند.

حجّ چونکه در فروعات شریعت اسلامی دارای اهمیت ویژه ای است در این تحقیق بر آن شدیم که کسانی که درباره این نوع حجّ آشنائی ندارند، بدانند که همین نوع حجّ بدعت تشیع نیست بلکه در سائر مذاهب اسلامی هم این یک نوع واجب است که انجام شود و ذکر این موضوع در کتب همه مسلمانان شده است بخاطر همین منابع این تحقیق فقط صحاح سته قرار گرفته است.

مفاهیم کلیدی

حجّ

آهنگ خانه خدا کردن برای به جا آوردن مناسک ویژه در موسم خاص.^(۱)

حجّ تمتّع

حجّ تمتّع را حجّ تمتّع می گویند چونکه در این حجّ محرمات احرام حلال می شوند و انتفاع از آنها در فاصله زمانی بین عمره تمتّع و حجّ است. این در حالی است که عمره تمتّع مرتبط به حجّ تمتّع و جزء آن است، به گونه ای که آن دو نظر شرع یک عمل محسوب می شود و در نتیجه انتفاع از محرمات احرام در فاصله زمانی بین آن دو، به منزله انتفاع از آنها در حجّ است.^(۲)

حجّ تمتّع در زمان پیامبر (ص)

عن عبد الله بن عمر، قال: تمتّع رسول الله (ص) في حجة الوداع بالعمرة إلى الحجّ و أهدى فساق معه الهدى من ذى الحليفة، و بدأ رسول الله (ص) فأهلاً بالعمرة، ثم أهلّ بالحجّ و تمتّع الناس مع رسول الله (ص) بالعمرة إلى الحجّ. ^(٣)

عبد الله بن عمر می گوید: در حجه الوداع پیغمبر (ص) از عمره، تا حجّ تمتّع کرد و قربانی را از ذی الحليفة با خود آورد و رسول الله آغاز کرد، پس برای عمره تلبیه گفت سپس برای حجّ تلبیه گفت و آن مردمی که با پیغمبر (ص) بودند با آنحضرت (ص) با عمره تا حجّ تمتّع کردند (یعنی محلّ شدند).

عن طاووس قال: قال معاوية لابن عباس: أعلمت أنّي قصرت من راس رسول الله (ص) عند المروة. قال: لا. يقول ابن عباس: هذا معاوية ينهي الناس عن المتعة و قد تمتّع النبيُّ (ص). ^(٤)

طاووس می گوید: معاویه به ابن عباس گفت: آیا تو می دانی که پیغمبر (ص) را نزد مروه من تقصیر کردم؟ ابن عباس گفت: نه. ابن عباس از این موقع استفاده کرد و گفت: این معاویه مردم را تمتّع (عمره در حج) منع می کند درحالیکه پیغمبر (ص) آن را انجام می داد.

امر پیغمبر (ص) به تمتّع در حجّ

عن ابن عباس قال: لما قدم النبيُّ (ص) مكة أمرَ أصحابه أن يطوفوا بالبيت و بالصفاء و المروة، ثم يجلّوا و يحلقوا أو يُقَصِّرُوا. ^(٥)

ابن عباس می گوید: زمانیکه پیامبر (ص) به مکه آمد به اصحابش امر کرد که آنها خانه خدا را طواف کنند و در صفا و مروه سعی انجام دهند سپس مُجَلّ بشوند و تقصیر یا حلق را انجام دهند.

عن ابي موسى قال: قدمت على رسول الله (ص) و هو بالبطحاء فقال: "بما أهللت؟" قلت: أهللت يا هلال النبيُّ (ص) قال: "هل سقت من هدى؟" قلت: فطفت بالبيت و بالصفاء و المروة ثم حلّ. "فطفت بالبيت و بالصفاء و

المروة ثم أتيت امرأة من قومي فمشطتني و غسلت رأسي فكنت أفتي الناس بذلك في اماره أبي بكر و اماره عمر.^(٦)

ابو موسی می گوید: بر رسول خدا (ص) وارد شدم درحالیکه ایشان در وادی بطحاء بود. ایشان گفت: برای چه چیزی محرم شدی؟ گفتم: برای چیزی که نبی (ص) برای آنچیز مُحَرَّم شد. ایشان گفت: آیا با خودت قربانی آوردی؟ گفتم: نه، گفت: پس خانه خدا را طواف کن و بین صفا و مروه سعی کن سپس من پیش زنی از قوم خود رفتم و او به من شانه زد و سرم را شست. پس از آن من درباره این مسئله در زمان اماره ابوبکر و عمر به مردم فتوا می دادم.

حج تمتع بعد از پیامبر (ص) هم سنت اصحاب بود

حدَّثنا نصر بن علی حدَّثني أبي قال: شعبة عن الحكم عن عمارة بن عمير عن ابراهيم بن موسى عن ابي موسى الأشعري: أنَّ كان يُفتي بالتمتع فقال له رجل: رُويك بعضَ فتياك. فانَّك لا تدري ما أحدث أمير المؤمنين في النسك بعدك حتَّى لقيته، بعدُ، فسألته. فقال عمر: قد علِمْتُ أنَّ رسول الله (ص) فعله و أصحابه و لكنِّي كرهت أن يطلَّوا بهن معرَّسين تَقْت الاراك.^(٧)

ابراهیم بن موسی از ابو موسی اشعری نقل می کند که او (ابو موسی اشعری) برای حج تمتع فتوا داد. یک مردی به او گفت: بعضی از فتاوی خود را به تأخیر بیانداز. چونکه عمر بعد از تو درباره حج چه گفته، نمی دانی. من بعد از تو با او ملاقات کردم و پرسیدم. عمر گفت: همانا من می دانم اینکه رسول الله (ص) و اصحابش آن (تمتع در حج) را انجام می دادند و این کارشان بدم می آمد.

حدَّثنا قتيبة عن مالك ابن أنس عن ابن شهاب عن محمد بن عبد الله بن الحارث بن نوفل أنَّه سمع سعد بن ابي وقاص و الضَّحَّاك بن قيس و هما يذكران التمتع بالعمرة إلى الحجَّ فقال الضَّحَّاك بن قيس لا يصنع ذلك إلَّا مَنْ جَهِلَ أمر الله فقال سعد بئس ما قلت يا ابن أخي. فقال الضَّحَّاك بن قيس فانَّ عمر بن الخطاب قد نهى عن ذلك. فقال سعد قد صنعها رسول الله (ص) و صنعناة معه.^(٨)

قتیبه از مالک و او از ابن شهاب و او از محمد بن عبد الله نوفل به ما گفت که او سعد بن ابی وقاص و ضحاک را شنید درحالیکه آنها درباره تمتع بین عمره تا حج صحبت می کردند. ضحاک بن قیس گفت: (تمتع را) انجام نداد هیچکس مگر کسی که از امر الهی جاهل بود. پس سعد گفت: اے برادره زاده! چه بدچیزی گفتی تو. پس ضحاک گفت: همانا عمر بن خطاب از تمتع در حجّ نهی کرد. سعد گفت: این (تمتع بین حجّ و عمره) را پیغمبر (ص) انجام می داد و ما هم با ایشان انجام می دادیم. عن مُطَرِّفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ لِيْ عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ تَمَتُّعًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص).^(۹)

مطرف می گوید: عمران بن حُصین به من گفت: ما با پیغمبر (ص) در حج با عمره تمتع می کردیم. عن مُطَرِّفٍ: قَالَ لِيْ عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَدْ تَمَتَّعَ وَ تَمَتُّعْنَا مَعَهُ قَالَ فِيهَا قَائِلٌ بِرَأْيَةٍ.^(۱۰)

مطرف می گوید: عمران بن حُصین به من گفت: همانا رسول خدا (ص) در حج تمتع می کرده و همراه او تمتع انجام می دادیم. یک کسی (عمر) در این مسئله رأی خود را گفت.

از این حدیث فهمیده می شود که اصحاب در زمان پیامبر (ص) و بعد از آنحضرت حتی در زمان خلافت خلیفه اوّل حجّ تمتع انجام می دادند ابو موسی اشعری به همین حجّ تا زمان خلیفه ثانی فتوا می داد و اصحاب دیگر هم حجّ تمتع انجام می دادند.

نهی کنندگان به حجّ تمتع

علاوه بر دو حدیث گذشته که از ابو موسی اشعری و محمد بن عبد الله بن الحارث نقل شدند احادیث زیر هم بیان گر کسانی هستند که اصحاب را از حجّ تمتع نهی می کردند.

عن ابن عباس قال تمتّع رسولُ الله (ص) و أبوبکر و عمر و عثمان و أوّلُ مَنْ نهی عنها معاوية.^(۱۱)

ابن عباس می گوید: رسول الله (ص)، ابوبکر، عمر و عثمان (در حجّ) تمتع می کردند و اوّل کسی که از آن نهی کرد معاویه بود.

عن سعيد بن المسيّب قال: اجتمع علی و عثمان بعسفان فکان عثمان ينهاي عن المتعة أو العمرة: فقال عليّ: ما تريد إلی أمر فعله رسول الله، تنهي عنه؟

فقال عثمان: دَعْنَا مِنْكَ. فقال إِنِّي لَا أُسْتَطِيعُ أَنْ أَدْعَكَ فَلَمَّا أَنْ رَأَىٰ عَلِيٌّ ذَلِكَ، أَهْلًا بِهِمَا.^(١٢)

سعید بن مسیب گفت: علی و عثمان در وادی عسفان جمع شده بودند و عثمان از تمتع یا عمره منع می کرد. علی گفت: فعلی که پیامبر (ص) آن را انجام داده آیا تو از آن نهی می کنی. عثمان گفت: ما را از خودت جدا کن. علی گفت: من نمی توانم از تو جدا شوم پس علی وقتی که این وضعیت را دید برای هر دو تلبیه گفت (مُحَرَّمٌ شَدَّ).

عن سعيد بن المسيَّب قال: اختلفَ علي و عثمان رضي الله عنهما وهما بعُسفانَ في المتعة. فقال علي: ما تريد إلَّا أن تنهى عن أمرٍ فعله النبيُّ (ص).^(١٣)

سعید بن مسیب می گوید: علی و عثمان در وادی عسفان درباره تمتع (تمتع میان حج و عمره) اختلاف کردند. علی گفت: تو چیزی را نهی می کنی که پیغمبر (ص) آن را انجام می داد.

عن طاووس قال: قال معاوية لابن عباس: أَعْلِمْتَ أَنَّي قَصَرْتُ مِنْ رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) عِنْدَ الْمَرْوَةِ. قَالَ: لَا. يَقُولُ ابْنُ عَبَّاسٍ: هَذَا مَعَاوِيَةُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الْمَتَاعَةِ وَ قَدْ تَمَتَّعَ النَّبِيُّ (ص).^(١٤)

طاووس می گوید: معاویه به ابن عباس گفت: آیا تو می دانی که پیغمبر (ص) را نزد مروه من تقصیر کردم؟ ابن عباس گفت: نه.

ابن عباس از این موقع استفاده کرد و گفت: این معاویه مردم را تمتع (عمره در حج) منع می کند درحالی که پیغمبر (ص) آن را انجام می داد.

یعنی این که او با اینکه با پیغمبر (ص) حج کرده و می داند که تمتع در حج بود، باز هم از انجام دادن تمتع در حج نهی می کند.

اعتراف بعضی از نهی کنندگان حج تمتع

عن ابن عباس قال: سمعت عمر يقول والله إِنِّي لَأَنْهَاكُمُ عَنِ الْمَتَاعَةِ وَإِنَّهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ لَقَدْ فَعَّلَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَعْنِي الْعِمْرَةَ فِي الْحَجِّ.^(١٥)

ابن عباس می گوید: من عمر را شنیدم که می گفت: قسم به خدا همانا من شما را از تمتع در حج نهی کردم درحالی که در قرآن به آن امر شده و پیغمبر (ص) آن را یعنی عمره در حج را انجام داده است.

همچنانکه مشاهد می شود در این حدیث خود نهی کننده اعتراف می کند که حجّ تمتّع را پیغمبر (ص) انجام می داد و در زمان ایشان بود اما او طبق ذوق خودش حلال خدا را حرام کرده.

نتیجه

حجّ تمتع یک حکم الهی است. پیغمبر (ص) آن را انجام داده و به انجام دادن آن امر کرده بودند. ا صاحب هم بعد از پیامبر (ص) آن را انجام می دادند تا زمان خلیفه ثانی. و حکم الهی را هیچ کس حق ندارد، ممنوع قرار بدهد جز خود شارع. اما همچنانکه ملاحظه شد بعضی از کسانی در تاریخ بودند که این واجب الهی را تعطیل کردند، آن هم بخاطر ذوق خودشان که در واقع یک کار خلاف شریعت بود.

پی نوشت

۱. جواهر الکلام: ۱۷، ۲۲۰.
۲. جواهر الکلام: ۱۸، ۲.
۳. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ۲۷۲۸؛ محمد ابن اسماعیل، بخاری، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۳ هجری، چاپ اول، ص ۴۰۸، ۴۰۹، حدیث ۱۶۹۱؛ ابو داؤد، سلیمان ابن اشعث، السجستانی، کتاب السنن، بیروت، دار الفكر، ۱۴۲۰ هجری، چاپ سوم، کتب المناسک، باب ۲۴ فی الاقران، ج ۲، ص ۹۸، حدیث ۱۸۰۵؛ یحیی ابن شرف، النووی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیت الافکار الدولیه، کتاب الحج، باب ۲۳ فی جواز التمتع، ص ۷۸۴، حدیث ۱۷۴.
۴. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ۲۷۳۳.
۵. محمد ابن اسماعیل، بخاری، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۳ هجری، چاپ اول، کتاب حج، باب ۱۲۸ تقصیر المتمتع بعد العمره، ص ۴۱۷، حدیث ۱۷۳۱.
۶. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ۲۷۳۴.
۷. محمد ابن یزید، القزوینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۹۹۲، حدیث ۲۹۷۹؛ احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ۲۷۳۱؛ یحیی ابن شرف، النووی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیت الافکار الدولیه، کتاب الحج، باب ۲۳ فی جواز التمتع، ص ۷۸۱، حدیث ۱۵۷.
۸. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ؛ محمد بن عیسی، الترمذی، الجامع الصحیح (سنن الترمذی) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، کتاب الحج باب ۱۲ ما جاء فی التمتع، ص ۱۸۵، حدیث ۸۲۳.
۹. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ۲۷۲۴.
۱۰. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفكر، ۱۴۱۵ هجری، ج ۵، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ۲۷۳۵.

١١. محمد بن عيسى، الترمذی، الجامع الصحيح (سنن الترمذی) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ٣، کتاب الحج باب ١٢ ما جاء فی التمتع.
١٢. یحیی ابن شرف، النووی، المنهاج فی شرح صحيح مسلم بن الحجاج، بیت الافکار الدولیه، کتاب الحج، باب ٢٣ فی جواز التمتع، ص ٧٨٢، حدیث ١٥٩؛ احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفکر، ١٤١٥ هجری، ج ٥، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ٢٧٢٩.
١٣. محمد ابن اسماعیل، بخاری، صحيح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ١٤٢٣ هجری، چاپ اول، ص ٣٨١، حدیث ١٥٦٩.
١٤. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفکر، ١٤١٥ هجری، ج ٥، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ٢٧٣٣.
١٥. احمد ابن شعیب، نسائی، کتاب السنن الکبری، بیروت، در الفکر، ١٤١٥ هجری، ج ٥، کتاب مناسک الحج، باب التمتع، حدیث ٢٧٣٢.